

هنر قرآنی

● قربان عزیززاده

- هنر خط و تذهیب قرآنی
- نوشته: مارتین لینگز
- ترجمه: مهرداد قیومی بیدهندی
- انتشارات گروس
- چاپ اول، ۱۳۷۷



کتاب در هشت فصل همراه با مقدمه مؤلف و مترجم در قطع رحلی با جلد گالینگور زرکوب با عنوان «هنر خط و تذهیب قرآنی» در اواخر سال ۱۳۷۷ توسط انتشارات گروس در تهران منتشر گردید.

نگارنده یادداشت ضمن تقدیر از مساعی مترجم محترم آقای مهرداد قیومی بیدهندی نکاتی را درخصوص تألیف و ترجمه کتاب حاضر بشرح ذیل مطرح می‌سازد:

ترجمه کتاب به دلیل تخصصی بودن متن طبعاً مستلزم اهلیت و احاطه به موضوع بوده که مترجم نیز با آشنایی به مباحث از عهده آن برآمده و حق مطلب را ادا نموده است.

در کتاب حاضر و درخصوص کتابت و تذهیب قرآن کریم در قرن سیزدهم در ایران - مکتب قاجار - مطلبی دیده نمی‌شود. این نقیصه به ویژه از آن جهت بااهمیت است که دوره قاجار و تذهیب مکتب شیراز، آغازی بر پایان در سیر تکاملی تذهیب ایرانی به عنوان شاخص‌ترین و وسیع‌ترین بخش هنرهای قرآنی در جهان اسلام است. برخی نمونه‌های تذهیب مکتب قاجار و به ویژه شیوه شیراز با وسعت طیف رنگ، سرلوح‌های تاجی ویژه، وسعت تزئینات، قرینه‌سازی سراسری در صفحات افتتاح، کثرت نشانه‌های اطلاع‌رسانی، تنوع قلم‌ها و بویژه کاربرد شیوه نستعلیق در ترجمه و تحشیه در نسخه‌های سلطنتی آنچنان اهمیتی می‌یابد که قلم‌های ایرانی را (نسخ ایرانی و

راقم این سطور فرصت آن را یافت تا در تابستان سال ۱۳۷۴ ضمن همکاری با یکی از علاقمندان و شاگردان لینگز در امر انتخاب نمونه‌ها، توسعه مطالب و تصاویر به منظور تجدید چاپ کتاب حاضر با اغتنام فرصت تجربه‌اندوزی خدمت کوچکی بنماید.

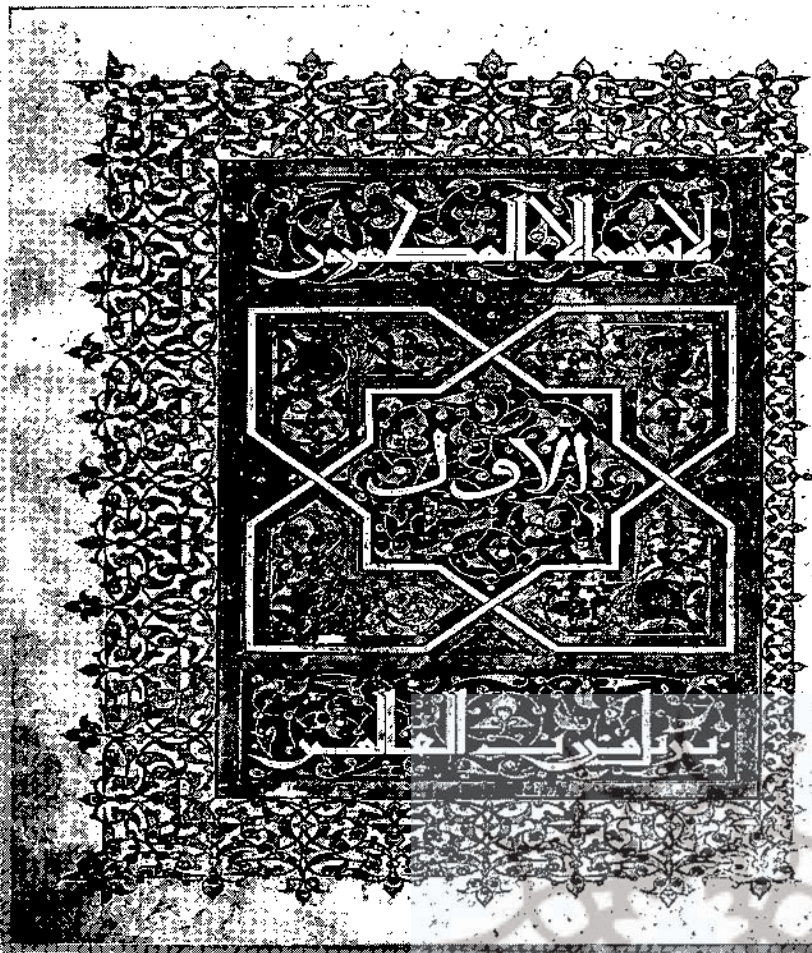
در این کتاب مؤلف بر اساس نگرش حاصل از مطالعات و تجربیات به نوعی از اتصال ظواهر و بواطن و وحدت در کثرت مظاهر هنری قرآنی دست یافته و در پی القاء و بیان آنست و این از نکاتی است که حاصل کار او را از معدود پژوهش‌هایی که در خصوص کتاب‌آرایی اسلامی به طور اعم و مطالعه هنرهای قرآنی بطور اخص صورت گرفته متمایز می‌سازد. ترجمه

در میان آثاری که طی سالیان اخیر درخصوص قرآن کریم - هر کسی از ظن خود - تدوین و منتشر نموده کمتر عنایتی به هنرهای صوری و کتابت این کتاب شریف گردیده است، که این امر بیشتر ناشی از بسیار تخصصی بودن مباحث است. آنچه حاصل مطالعات دکتر مارتین لینگز را در این زمینه متمایز می‌سازد نه فقط تقریباً انحصاری بودن آن و ارائه نفیس‌ترین شواهد تاریخی و نمونه‌های بدیع از کتابت و تذهیب قرآن کریم است، بلکه او در این باره در پی دستیابی به مبانی و تدوین اصول نظری و تحولات روند تدریجی بیش از یک‌هزار سال تکامل این شاخه از معارف بشری و زیبایی‌شناسی است. وی در این کار مهم توفیق یافته که، اصیل‌ترین شواهد آن را در بسیاری مراکز علمی و فرهنگی به ویژه در جهان اسلام بررسی و ارائه نماید. لینگز پیش از تدوین کتاب حاضر (The Quranic Art of Calligraphy and Illumination) که در واقع حاصل علائق و مطالعات او در سمت‌های اداری مرتبط با موضوع کتاب در بخش منابع خطی در موزه بریتانیا است. ایضاً نتیجه اقامت و تفحص طولانی‌اش در مصر و مسافرت‌هایش به اقصی نقاط جهان اسلام و به ویژه همراه با مطالعه در مشرب‌های فلسفی و مذهبی بوده است تا آنکه عاقبت الامر مسلمان گردید و نام سراج‌الدین را برگزید و پس از مراجعت به موطن خویش - انگلستان - اینک در سنین کهولت سال‌های عمر خود را سپری می‌کند.

نستعلیق) در قرن سیزدهم هجری و پایان دوران قاجار از سایر ملل به کلی متمایز می‌گرداند. ایضاً تزئینات متن، مقدمات و مؤخرات (ملحقات افتتاح، حواشی و خاتمه) است که به زعم راقم این سطور می‌بایست قطعاً از سوی مؤلف دانشمند - دکتر مرتضی سراج‌الدین لینگز - مورد توجه قرار می‌گرفت که متأسفانه کتاب با همه جامعیت و اهمیت از این نقیصه برخوردار است. (صفحه ۱۲، مقدمه مؤلف، سطرهای ۲۴ و ۲۵).

مؤلف محترم مدعی است «... هیچ قومی هرگز [در خطاطی] بر عرب پیشی نگرفت». به نظر می‌رسد اگر مقصود آغاز ثبت و کتابت کلام... در بین صحابی رسول... باشد می‌توان با نظر مؤلف همراه شد و در غیر این صورت اگر مقصود تفوق کمی و کیفی تازیان باشد که تقریباً نه خطی داشتند و به نوشته مؤلف حتی نوشتن را عار می‌داشتند چگونه بر ملل دیگر مسلمان از جمله مصریان و سوریان با همه سوابق در کتابت و به ویژه ایرانیان که بسیاری از ابداعات و اقلام کتابت اسلامی را بنیان گذاشته‌اند - به استناد بسیاری مصادر و مأخذ کتابت در جهان اسلام - تفوق داشته‌اند. این مدعی از بنیاد مردود است و بعید می‌نماید مقصود مؤلف دانشمند چنین منظور باطلی باشد. (صفحه ۱۵، سطر ۲۳ و بعد، فصل اول خط کوفی) علی‌رغم آنکه مؤلف محترم مدعی است ملزم به تکیه بر نمونه‌های مهم خطوط است و از توقف بر شواهد جزئی خودداری می‌نماید، متأسفانه از شیوه‌ای در کتابت قرآن کریم که به لحاظ کروئولوژیک و اهمیت اگر نه مقدم بر کوفی باشد - که هست - حداقل هم‌طرز آنست، هیچ اشاره‌ای ندارد. این شیوه که بنا بر کاربردش التزیل و یا بر اساس شکل ظاهریش المایل نیز نامیده شده در کتاب به کلی نادیده گرفته شده است. (نگاه کنید به P/14 از Qurans and bindings, David James, 1980, England) گمان دارد جای طرح آن باشد آنست که کتاب به این مطلب هیچ اشاره ندارد که تداوم بعضی اقلام خطوط اسلامی در جوار متن شریف علی‌رغم منسوخ شدن در استنساخ و استکتاب قرآن کریم آن بوده است که بنا به ضرورت و به منظور تعیین منشاء انسانی ملحقات نوشتاری در قرآن کریم و به‌ویژه در سوره‌ها (عناوین، شماره و محل نزول آیات) موجب شد آنچه را که منشائی آسمانی نداشتند به خط و رنگی متفاوت از متن شریف بنگارند تا صراحتاً به منشاء انسانی خود اشاره نمایند و همین نکته موجبی شد تا مداومت و کاربرد آنان را در پاره‌ای ملحقات نوشتاری در قرآن کریم توجیه نماید.

ظاهراً این نکته که مفردی برای اجتناب از مقابله با اصول‌گرایان و محلی برای ظهور ابداعات هنری در قرآن کریم در سده‌های نخستین شد، به کلی از مدار توجه مؤلف محترم به دور مانده است. (صفحه ۱۶، تقسیمات خط کوفی و ظهور قلم‌های شرقی، مغربی، کوفی‌الفارسی و کوفی‌البغدادی و...) اصطلاح کوفی شرقی که در واقع قلمی مستخرج از کوفی اولیه و رایج بین کاتبان سرزمین بین‌النهرین و نواحی داخلی ایران و خراسان قدیم است در قبال آنچه که کوفی مغربی مستعمل در شمال آفریقا، مغرب‌الاقصی و متصرفات



که اینک کاملاً محرز است که نسخه دیگری از این هنرمند ایرانی در کتابخانه مرحوم آیت‌... مرعشی نجفی در قم وجود دارد. راقم این سطور فرصت دیدار این نسخه شریف را همزمان با برگزاری کنفرانس سران کشورهای اسلامی در تهران داشته است. با ابراز امتنان از جناب حجة الاسلام دکتر محمود مرعشی نجفی که این فرصت را فراهم ساختند.

مترجم گرامی در کلیه مواردی که به تزئینات آغاز سوره‌ها اشاره دارد آنان را «سرلوحه سوره» می‌نامد که معادل Sura heading به کار رفته است. عنوان مصطلح در این خصوص سرسوره است که در عموم منابع در خصوص تزئینات و تذهیبات و عناوین مندرج در آغاز سوره‌ها به کار رفته و می‌رود و سرلوحه سوره که مترجم گرامی به کرات به کار برده چندین صحیح و مصطلح نیست.

همین جا یادآور می‌شود تزئینات مفصل تری که در قرآن‌های آغاز دوران صفویه تا کنون در افتتاح نسخه‌ها و یا به طور قرینه آغاز سوره مبارکه بقره را هم شامل می‌شود و به طور استثنایی در مورد سوره‌های کهف و مریم (س) و برخی کتب معتبر دیگر نیز دیده شده‌اند سرلوح می‌نامند، این تزئینات که برخی از آنان شاهکارهای بی‌بدیل همه ادوار در هنر کتاب‌آرایی در جهان هستند از سرسوره‌ها به کلی متمایز بوده - و می‌تواند سرسوره را نیز دربرگرفته باشد - و لاجرم با وجود دو عنوان سرسوره و سرلوحه با طرح، وسعت و تعداد متفاوت آنان در یک مجلد از قرآن کریم، تلفیق عناوین

اروپایی مسلمین پیش از ابداع قلم موسوم به اندلسی است و لاجرم اطلاق کوفی شرقی به کوفی‌البغدادی شاید پذیرفتنی باشد ولیکن معادل گرفتن آن با کوفی‌الفارسی و یا در واقع کوفی ایرانی که همان شیوه‌ای است که برخی پژوهشگران قلم پیراموز یا آن طور که این‌الندیم در التفهیرست ثبت نموده قیرآموز، و نمونه‌های متعددی از آن در کتابت کلام... به جای مانده چندین صحیح نیست، البته این مدعی نیز همچنان پابرجا است که برخی پژوهشگران شیوه کوفی را اساساً قلمی ایرانی و مستخرج از گونه‌ای اقلام کتابت ایرانی در اواخر عهد ساسانی می‌دانند. (رجوع شود به کتاب سهم ایرانیان در پیدایش خط... از دکتر رکن‌الدین همایونفرخ، چاپ تهران)

مؤلف محترم نظیر برخی از پژوهشگران اروپایی عنوان شیوه‌های مختلف کتابت اسلامی را از زبان عربی نقل می‌کند و لاجرم آنان را نسخی و ریحانی می‌نامد - گرچه کاتبین عرب در ابداع و توسعه این خطوط در کتابت کلام... سهم بسیار کمتری از سایر ملل داشته باشند - به نظر می‌آید وجه مرسوم آن در زبان عربی برای منابع و ترجمه‌های فارسی - نسخ، ریحان - مناسبتر باشد. (رجوع شود به Qurans and bindings, David James, 1980, England) که تلفظ ترکی را نیز ثبت نموده است. (صفحه ۵۴ سطر هشتم در خصوص تصویر ۲۲)

از تنها نسخه مکتوب قرآن کریم به خط ابن‌بواب - علی‌بن‌هلال - کاتب ایرانی نام برده می‌شود در صورتی

آنان نه مصطلح و مرسوم است و نه افاده معنی می‌کند. (نگاه کنید به راهنمای گنجینه قرآن از مرحوم دکتر مهدی بیانی. تهران: نوروز ۱۳۲۸) (صفحه ۷۲ - پاراگراف اول).

کتاب از / افتتاح سوره / افتتاح نخستین سوره / افتتاح کل کتاب / سخن می‌گوید، این نکته گفتنی است به هنگامی که افتتاح کتاب به معنای آغاز نخستین سوره - حمد - مورد نظر است عنوان افتتاح به تبعیت از فاتحة الكتاب استفاده می‌شود. و آنگاه که صرفاً شروع کتاب که می‌تواند با ملحقاتی از قبیل ادعیه و فهرست باشد عنوان آغاز نسخه یا شروع نسخه مرسوم است و مناسبتر می‌داند به جای افتتاح سوره عنوان آغاز سوره و یا سرسوره (در مفاهیم تزئینی و عناوین) به کار برده شود. همچنین علایمی یکسان که غالباً در فواصل آیات معرف تمام آیه و آغاز آیه دیگر است معمولاً پایانی آیه و یا پایانی خواننده می‌شود. پایانی‌ها قدیمیترین نشانه‌های اطلاع‌رسانی در قرآن کریم هستند. ضمناً علایمی که معرف شمارش پنج پنجمی آیات هستند تخمیس و نشانه‌های شمارش دهدهی تعضیر نامیده می‌شوند که در ترجمه کتاب به این عناوین علی‌رغم معمول بودنشان توجهی نشده است. رجوع شود به گلچینی از قرآن‌های خطی موزه دوران اسلامی / موزه ملی ایران / تهران: تابستان ۱۳۷۵. (صفحه ۱۰۰، پاراگراف دوم).

مترجم ارجمند در خصوصیات خط محقق عمق و عرض حروف را مطرح نموده‌اند، این دو خصیصه را منابع موجود و اهل قلم دور و سطح می‌نامند. خصوصیات اخیرالذکر در هر یک از شیوه‌های کتابت متفاوت از یکدیگرند و به ویژه ممیزه دور کمتر و سطح بیشتر در شیوه محقق و بلندای قامت و نازکی حروف در شیوه ریحان از خصوصیات آنان است. همچنین است آنگاه که مترجم گرامی از قوس بجای دور نام می‌برد. (صفحه ۱۰۱، پاراگراف آخر).

ظاهراً مراد مؤلف که از سوی مترجم نیز بدون توضیح مانده است، از «رساله فارسی قرن دهمی...» کتاب گلستان هنر اثر قاضی احمد قمی است که در سنوات گذشته چاپ و منتشر شده است. (صفحه ۱۱۶، پاراگراف دوم، ستون چپ، بهره‌گیری از اشکال هندسی...).

مؤلف گرامی از مصحف‌های مملوکی و مغولی سخن می‌گوید، به نظر می‌آید با توجه به فحوای کلام باید از مقارنه قرآن‌های مملوکی و ایلخانی سخن گفت و نه مغولی، گرچه در مفهوم و انطباق زمانی تفاوتی ندارند لیکن با توجه به دین، هنر و شیوه کتابت مغول‌ها، آنگاه که از هنر و شیوه کتابت دوره حکمرانی آنان در سرزمین‌های اسلامی مطرح است معمول آنست که آنان را ایلخانی می‌نامند که بار فرهنگی متمایزی دارد و به ویژه آمیزه‌ای ایرانی - مغولی را بیان می‌دارد، همانگونه که در عنوان ذیل تصاویر فصل ۵ نیز آمده است. (صفحه ۱۱۷، پاراگراف دوم).

از شمس‌ای دوازده لنگه سخن در میان است، با توجه به تعابیر رایج از لنگه، مناسب می‌داند بجای آن در این موضع از دوازده ترک (Tark) استفاده شده بود.



(صفحه ۱۲۰، تصویر ۶۷).

اشکال مربع و مستطیل در پیشانی و ذیل سوره هم در خصوص وجه نوشتاری، ایضاً وجه تزئینی و هندسی آن عنوان کتیبه مرسوم است و لوح افاده معنی نمی‌کند. (فصل ۶ تذهیب در دوره تیموریان، توضیح ذیل صفحه ۱۷۱).

مؤلف گوشه‌ای از ابداعات کاتبان ایرانی در ترکیب شیوه‌های گوناگون کتابت و یا رنگ آمیزی - رنگین‌نویسی را - مرسوم به توأمان‌نویسی در یک موضع نمی‌شناسد از این رو به اظهار نظر مخالف پرداخته است این امر در خطاطی شبیه کاربرد عناصر اسلیمی و ختایی در جوار یکدیگر در یک موضع است. لینگز در این خصوص به مخالفت برخاسته است. طرح مسئله هتک حرمت و مدهوشی کاتبان غیرعرب و مخالفت به طور کلی ناوارد و بی‌ربط است. البته از مولف گرامی با سابقه اقامت طولانی در مصر، فراگیری زبان عربی، وظایف اداری در بخش کتب عربی و به ویژه تغییر مذهب او به شاخه عربی - اسلامی و از همه مهمتر عدم درک گوشه‌های توأمان‌نویسی انتظاری همچون این نظریه شاید غیرمحمول نباشد. (صفحه ۱۷۲، تصویر ۸۶).

کتاب از دو لوح نام می‌برد که مناسبتر می‌بود که بجای لوح کلمه کتیبه انتخاب می‌شد و یا حتی کلمه قاب که مصطلح است. (همین صفحه تصویر ۸۹). عنوان معمول بجای نسخ ریز ترکیب نسخ خفی است در برابر نسخ جلی ایضاً «ظاهر نسخه‌های مغولی»

که مناسبتر بود از نسخه‌های ایلخانی یاد می‌شد که به دلایل تاریخی و مشابهت‌ها مصطلح و مناسبتر است. (فصل ۷، صفحه ۱۸۹، پاراگراف اول).

مؤلف گرامی به طور ضمنی معترف به عدم توانایی خویش در تشخیص مبداء جغرافیایی قرآن‌های ایرانی، عثمانی و هندی در قرن دهم - یازدهم هجری است که به ویژه در شیوه تذهیب به شدت تحت تاثیر ایرانیان است و این امر را ناشی از اقبال عام هنرمندان به شیوه‌های تیموری و نگاره‌های جدید می‌داند. این نظریه بیشتر مبین قلت اطلاعات پایه‌ای و تشکیک در مبانی بررسی مؤلف است تا مشابهت‌های عمده موضوع مطالعه او، وگرنه شاخصه‌های بسیاری برای تعیین هویت جغرافیایی آثار این دوره وجود دارد. (صفحه اخیرالذکر، پاراگراف آخر).

دکتر لینگز با اظهار نظر در خصوص تذهیب و تفوق خط بر آن، در این بخش بیشتر عدم آگاهی کافی و عمیق خویش به ویژه در خصوص قرآن‌های قرن دوازدهم - سیزدهم - ایرانی و برخی شاهکارهای بی‌نظیر خط و تذهیب این دوره را بیان داشته است تا ابراز عقیده‌ای متین و مبتنی بر پایه‌های پژوهشی معتبر.

راقم این سطور در بررسی این کتاب وجود محدود ملاحظات چاپی و دستوری را مورد نظر نداشته و یکبار دیگر خوشوقتی خود را از ترجمه چنین اثر ارزشمندی ابراز می‌دارد. و توفیق هرچه بیشتر انتشارات گروس و مترجم فاضل آن را از خداوند مسئلت دارد.